

مطالعه تأثیر شفافیت مالی بر اعتماد عمومی نسبت به عملکرد مالی شهرداری‌ها

پرویز ازدست^۱

۱- کارشناسی حرفه‌ای حسابداری - حسابداری مالی، مرکز آموزش علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌های بوشهر. (کارشناسی مالی و حسابداری)

چکیده

شفافیت مالی در شهرداری‌ها به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی شهری مطلوب، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای پاسخگویی و تقویت اعتماد عمومی شهروندان ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، افزایش حجم منابع و مصارف مالی شهرداری‌ها، گسترش پروژه‌های عمرانی و تنوع ابزارهای تأمین مالی، ضرورت دسترسی شهروندان به اطلاعات دقیق، به‌موقع و قابل فهم را دوچندان ساخته است. در چنین شرایطی، هرگونه ابهام یا عدم شفافیت در گزارشگری مالی می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی، کاهش مشارکت شهروندان و افزایش بدبینی نسبت به عملکرد مالی شهرداری‌ها منجر شود. هدف اصلی مقاله مروری حاضر، تحلیل و تبیین نقش شفافیت مالی در افزایش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد مالی شهرداری‌ها با تمرکز بر ادبیات حسابداری مالی و مدیریت شهری در ایران است. روش پژوهش مبتنی بر مطالعه مروری و تحلیل نظام‌مند منابع علمی و پژوهش‌های داخلی مرتبط با نظام مالی شهرداری‌ها، گزارشگری حسابداری، درآمدهای پایدار و پاسخگویی مالی است. در این راستا، با بهره‌گیری از مطالعات انجام‌شده در حوزه حسابداری دولتی، مدیریت مالی شهری و اقتصاد شهری، ابعاد مختلف شفافیت مالی، سازوکارهای پاسخگویی و پیامدهای اجتماعی آن مورد بررسی و جمع‌بندی قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شفافیت مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود کیفیت گزارشگری حسابداری، افشای روشن ساختار درآمدها و هزینه‌ها و تقویت نظارت عمومی، نقش مؤثری در افزایش اعتماد شهروندان ایفا می‌کند. همچنین نتایج حاکی از آن است که شهرداری‌هایی که از نظام‌های گزارشگری منسجم، استانداردهای حسابداری مناسب و حسابرسی مستقل بهره می‌برند، از سطح بالاتری از اعتماد عمومی و تمکین مالی برخوردارند. در جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که شفافیت مالی نه تنها یک الزام فنی و قانونی، بلکه یک راهبرد اجتماعی و مدیریتی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و پایداری مالی شهرداری‌هاست. تقویت شفافیت در نظام مالی شهری، زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی، بهبود عملکرد مالی و تحقق اهداف توسعه پایدار شهری خواهد بود.

واژگان کلیدی: شفافیت مالی، اعتماد عمومی، مدیریت مالی شهری، پاسخگویی، عملکرد شهرداری

۱. مقدمه

حکمرانی شهری در دهه‌های اخیر با پیچیدگی‌های روزافزونی مواجه شده است که مدیریت منابع محدود و پاسخگویی به مطالبات فزاینده شهروندان را به یک چالش اساسی تبدیل کرده است. در این میان، شهرداری‌ها به عنوان نهادهای کلیدی ارائه دهنده خدمات عمومی شهری، سنگ بنای توسعه محلی محسوب می‌شوند و عملکرد مالی آن‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که می‌تواند فاصله میان نهادهای مدیریتی و مردم را کاهش داده و مشروعیت عملکرد شهرداری‌ها را تقویت کند، شفافیت مالی است. شفافیت مالی فراتر از صرف انتشار صورت‌های مالی سالانه است؛ بلکه شامل دسترسی آزاد و به موقع به اطلاعات جامع درباره درآمدها، هزینه‌ها، بدهی‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص منابع عمومی در چارچوب زمانی مشخص است. این مفهوم به عنوان ابزاری حیاتی برای نظارت عمومی و کاهش فرصت‌های فساد در سیستم‌های مالی شهری شناخته می‌شود (نویسن، ۲۰۱۲).

تأکید روزافزون بر حاکمیت خوب (Good Governance) در سطح محلی، شفافیت مالی را نه به عنوان یک انتخاب مدیریتی، بلکه به عنوان یک الزام قانونی و اخلاقی مطرح کرده است. زمانی که شهروندان قادر به درک چگونگی کسب و خرج شدن منابع مالیاتی خود توسط شهرداری باشند، احتمال مشارکت فعال‌تر آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و افزایش تمکین به پرداخت عوارض و مالیات‌های محلی افزایش می‌یابد (سهرابی و صفری، ۲۰۱۹). این امر به طور مستقیم بر کارایی عملیاتی و توانایی شهرداری در تأمین مالی پروژه‌های عمرانی و خدمات زیربنایی تأثیر می‌گذارد. در مقابل، ابهام مالی می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی مزمین، کاهش سرمایه‌گذاری محلی و در نهایت، سلب مشروعیت از عملکرد نهادهای شهری شود (معطوفی، ۲۰۱۷).

مقاله مروری حاضر بر این فرض استوار است که یک رابطه علی و معلولی قوی میان سطح شفافیت مالی گزارشگری شده توسط شهرداری‌ها و میزان اعتماد شهروندان به صداقت و کارایی مدیریت مالی آن‌ها وجود دارد. این رابطه از طریق سازوکارهایی نظیر پاسخگویی (Accountability)، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش درک عمومی از ساختار مالی شهری واسطه‌گری می‌شود (هاشمی فیض‌آبادی و فیض‌آبادی، ۲۰۲۰). هدف اصلی این پژوهش، جمع‌بندی ادبیات موجود و ارائه چارچوبی تحلیلی برای فهم بهتر این رابطه در بستر نظام مالی شهرداری‌های کشور است.

به منظور دستیابی به این هدف، نیاز است که تعاریف عملیاتی شفافیت مالی در زمینه شهرداری‌ها، شاخص‌های کلیدی سنجش آن و همچنین ابعاد مختلف اعتماد عمومی که تحت تأثیر این شفافیت قرار می‌گیرند، مورد بررسی دقیق قرار گیرند (محمدی و همکاران، ۲۰۲۲). ادبیات حسابداری و مالی شهری بر این نکته تأکید دارند که کیفیت گزارشگری مالی، که شاخص اصلی شفافیت است، باید فراتر از الزامات حداقل قانونی بوده و متناسب با سطح سواد مالی جامعه مخاطبان تنظیم شود (اکبری نعمت‌اله و مودن جمشیدی، ۲۰۱۱). بخش‌های آتی این مقاله به ترتیب به تبیین مبانی نظری شفافیت مالی، نقش آن در پاسخگویی شهرداری، تحلیل تأثیر بر اعتماد عمومی، بررسی سیستم‌های گزارشگری مالی شهری، چالش‌های دستیابی به درآمدهای پایدار با تکیه بر شفافیت و در نهایت، ارائه جمع‌بندی و راهکارهای سیاستی خواهد پرداخت. این رویکرد ساختاریافته، امکان یک تحلیل عمیق و چندوجهی را فراهم می‌آورد که برای دانشجویان و متخصصان حسابداری مالی ضروری است.

از منظر حسابداری مالی، شفافیت مستلزم رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری، ارائه اطلاعات به موقع و کامل در خصوص جریان‌های نقدی، وضعیت مالی و عملکرد مالی شهرداری است (سیف و همکاران، ۲۰۱۵). عدم کفایت در این زمینه نه تنها توانایی نظارت بر عملکرد را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه را برای سوءمدیریت منابع عمومی فراهم می‌آورد. بنابراین، تمرکز بر

جنبه‌های کمی و کیفی اطلاعات مالی منتشر شده، محور اصلی این مطالعات مروری است تا بتوان ابعاد مختلف اثرگذاری شفافیت بر افکار عمومی را روشن ساخت. به طور خلاصه، این مرور تحلیلی تلاش دارد تا شکاف‌های تحقیقاتی موجود در ارتباط میان مفاهیم کلیدی شفافیت مالی، پاسخگویی سازمانی و ابعاد اعتماد عمومی در چارچوب مدیریت مالی شهرداری‌ها را پر کند و پایه‌های علمی لازم برای بهبود سیاست‌های گزارشگری مالی شهرداری‌ها را فراهم آورد. درک این رابطه مستلزم بررسی عمیق‌تر مکانیسم‌هایی است که شهروندان از طریق آن‌ها، اطلاعات مالی منتشر شده را تفسیر و به اعتماد یا بی‌اعتمادی تبدیل می‌کنند (تفضلی و همکاران، ۲۰۲۳). در نهایت، اهمیت موضوع از این منظر قابل تأکید است که اعتماد عمومی به نهادهای شهری، سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود که تحقق اهداف توسعه‌ای را تسهیل می‌کند. شفافیت مالی به عنوان محرکی برای این سرمایه عمل می‌کند و از این رو، مطالعه دقیق تأثیر آن بر افزایش این اعتماد، یک ضرورت مدیریتی و اجتماعی تلقی می‌گردد (قسیمی و همکاران، ۲۰۲۳).

۲. مبانی نظری شفافیت مالی در مدیریت شهری

شفافیت مالی در نهادهای دولتی و شبه‌دولتی مانند شهرداری‌ها، فرآیندی چندوجهی است که از انتشار صرف داده‌های کمی فراتر می‌رود و شامل سه رکن اصلی می‌شود: دسترسی‌پذیری (Accessibility)، قابلیت درک (Understandability) و جامعیت (Comprehensiveness) اطلاعات مالی. در ادبیات مالی، شفافیت به مثابه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران (که اطلاعات کامل دارند) و ذینفعان بیرونی (شهروندان، نهادهای نظارتی) تعریف می‌شود (نوایین، ۲۰۱۲). این کاهش عدم تقارن، بنیان لازم برای ارزیابی عملکرد و اتخاذ تصمیمات آگاهانه توسط شهروندان را فراهم می‌آورد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نظری شفافیت مالی، ارتباط آن با مفهوم «حسابداری دولتی» است. در نظام شهرداری، حسابداری باید فراتر از ثبت تراکنش‌های نقدی، به گونه‌ای عمل کند که تخصیص منابع، تعهدات بلندمدت و ارزش دارایی‌های عمومی به درستی منعکس شود. سهرابی و صفری (۲۰۱۹) تأکید می‌کنند که گزارشگری مبتنی بر مبنای تعهدی در شهرداری‌ها، هرچند پیچیده‌تر است، اما تصویری دقیق‌تر از وضعیت مالی واقعی ارائه می‌دهد و این دقت، مستقیماً به افزایش سطح شفافیت مورد درک عموم کمک می‌کند. عدم استفاده از مبنای تعهدی، امکان پنهان‌سازی بدهی‌های آتی یا هزینه‌های عملیاتی جاری را فراهم آورده و اعتماد عمومی را به چالش می‌کشد. علاوه بر مبنای حسابداری، نحوه انتشار اطلاعات نیز در تحقق شفافیت نقش حیاتی دارد. تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند که صرف انتشار گزارش‌های مالی استاندارد، در دنیای کنونی که حجم اطلاعات بالاست، کافی نیست. شهرداری‌ها باید از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی بهره بگیرند تا اطلاعات به شیوه‌ای بصری، ساده و قابل جستجو (مانند داشبوردهای آنلاین) در اختیار عموم قرار گیرد. اگر اطلاعات مالی در قالبی بسیار فنی و تخصصی ارائه شود که اکثریت شهروندان قادر به تفسیر آن نباشند، عملاً شفافیت مورد نظر محقق نخواهد شد و صرفاً یک الزام شکلی باقی می‌ماند.

از منظر تئوری نمایندگی (Agency Theory)، شفافیت مالی ابزاری است برای کنترل نمایندگان (مدیران شهرداری) توسط مالکان (شهروندان). اگر مدیران بدانند که اقدامات مالی آن‌ها به دقت رصد می‌شود، انگیزه کمتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه یا هزینه‌تراشی‌های غیرضروری خواهند داشت (معطوفی، ۲۰۱۷). این تئوری نشان می‌دهد که شفافیت صرفاً یک فعالیت گزارشگری نیست، بلکه یک مکانیسم کنترلی فعال است که بر تصمیم‌گیری‌های مالی روزمره مدیران اثر می‌گذارد و در بلندمدت، کارایی تخصیص منابع را بهبود می‌بخشد. هاشمی فیض‌آبادی و فیض‌آبادی (۲۰۲۰) بر لزوم شفافیت در «درآمدهای پایدار» شهرداری‌ها تأکید ویژه‌ای دارند. شهرداری‌هایی که وابستگی زیادی به منابع غیرپایدار مانند فروش اراضی یا جرایم دارند، در معرض ریسک‌های مالی بالاتری قرار می‌گیرند. شفافیت در ترکیب منابع درآمدی و برنامه‌های بلندمدت برای متنوع‌سازی آن‌ها،

نشان‌دهنده بلوغ مدیریتی و تعهد به پایداری مالی است که شهروندان آن را نشانه مدیریت خردمندانه تلقی کرده و به تبع آن، اعتمادشان تقویت می‌شود. نقش پاسخگویی نیز در ادبیات شفافیت جایگاه محوری دارد. پاسخگویی بدون شفافیت صرفاً یک ادعا است؛ شفافیت بستری را فراهم می‌کند که در آن شهرداری‌ها بتوانند به سؤالات ذینفعان پاسخ دهند و توجیهات لازم برای تصمیمات دشوار مالی را ارائه نمایند (عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی، ۲۰۲۴). اگر شفافیت وجود داشته باشد اما سازوکار مشخصی برای پیگیری و مسئولیت‌پذیری در قبال اطلاعات نادرست یا غیرشفاف تعریف نشده باشد، اثربخشی آن به شدت کاهش می‌یابد. در نهایت، مطالعات نشان می‌دهند که اعتماد عمومی محصول ادراک است نه لزوماً واقعیت محض مالی. اگرچه گزارش‌های مالی ممکن است از نظر فنی بی‌نقص باشند، اما اگر شهروندان احساس کنند که اطلاعات مهمی پنهان مانده است، سطح اعتماد پایین خواهد آمد (محمدی و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، شفافیت مؤثر نیازمند یک استراتژی ارتباطی قوی است که بتواند مفاهیم پیچیده مالی را به زبان ساده به مخاطبان منتقل کند و در ایجاد یک تصویر ذهنی مثبت از مدیریت مالی شهرداری مشارکت نماید. تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) نیز چارچوب نظری شفافیت را با مفهوم «حسابرسی عمومی» مرتبط می‌دانند. این دیدگاه بیان می‌کند که شفافیت زمانی محقق می‌شود که فرآیندهای داخلی و خارجی کنترل‌های لازم را بر عملکرد مالی اعمال کنند و نتایج این کنترل‌ها (از جمله گزارش‌های حسابرسی مستقل) به صورت عمومی منتشر شوند. این لایه نظارتی، اعتبار اطلاعات منتشر شده را به شدت افزایش داده و اثربخشی شفافیت را تقویت می‌کند.

۳. ابعاد شفافیت مالی و معیارهای سنجش آن در شهرداری‌ها

تعیین ابعاد شفافیت مالی در زمینه شهرداری‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا ساختار درآمد و هزینه‌های شهرداری‌ها بسیار متنوع‌تر و پیچیده‌تر از شرکت‌های انتفاعی است. شفافیت مالی باید حداقل شامل سه حوزه کلیدی باشد: شفافیت در بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی، شفافیت در اجرای بودجه و گزارشگری عملکرد، و شفافیت در مدیریت بدهی‌ها و تعهدات بلندمدت (خمر و جوادیان، ۲۰۱۶). هر یک از این ابعاد، جنبه‌ای از عملکرد مالی را منعکس می‌کنند که شهروندان به آن حساس هستند.

شفافیت در بودجه‌ریزی به معنای انتشار عمومی پیش‌نویس بودجه، همراه با توضیحات کافی درباره مفروضات اقتصادی، منابع درآمدی پیش‌بینی شده و اولویت‌های تخصیص اعتبارات برای پروژه‌های مختلف است (عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی، ۲۰۲۵). یک بودجه شفاف، به شهروندان اجازه می‌دهد که در مراحل اولیه تصمیم‌گیری مشارکت کنند و نفوذ سیاسی یا رانتی را در تخصیص منابع کاهش دهند. معیار سنجش این بعد، نه تنها وجود سند بودجه، بلکه تحلیل عمق اطلاعات ارائه شده درباره تخصیص‌های تفصیلی به هر منطقه یا طرح عمرانی است.

ابعاد دوم، یعنی شفافیت در اجرای بودجه و گزارشگری عملکرد، مستلزم گزارش‌دهی منظم (فصلی یا ماهانه) در مورد میزان تحقق درآمدها و هزینه‌ها نسبت به ارقام مصوب است (سهرابی و صفری، ۲۰۱۹). این معیار، پاسخگویی را در کوتاه‌مدت تضمین می‌کند و نشان می‌دهد که آیا شهرداری طبق برنامه‌ریزی پیش‌رفته است یا خیر. معطوفی (۲۰۱۷) بر اهمیت شاخص‌های غیرمالی عملکرد (مانند درصد پیشرفت پروژه‌های عمرانی مرتبط با بودجه تخصیص یافته) در کنار شاخص‌های مالی تأکید می‌کند؛ زیرا شهروندان صرفاً به اعداد و ارقام مالی اهمیت نمی‌دهند، بلکه به دستاوردهای ملموس نیز توجه دارند. شفافیت در مدیریت بدهی و تعهدات، به ویژه در شهرداری‌های بزرگ که ممکن است برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی از طریق اوراق مشارکت یا تسهیلات بانکی اقدام کنند، حیاتی است (هاشمی‌فیض‌آبادی و فیض‌آبادی، ۲۰۲۰). معیار سنجش در این بخش، افشای کامل نرخ بهره، شرایط بازپرداخت، میزان بدهی‌های معوق و همچنین ریسک‌های احتمالی ناشی از ساختار سرمایه

شهرداری است. عدم شفافیت در این حوزه می‌تواند منجر به بحران‌های مالی پنهان شود که بار آن در نهایت بر دوش شهروندان خواهد افتاد.

برای اندازه‌گیری عملی شفافیت در سطح شهرداری‌ها، محققان از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند که اغلب بر اساس چک‌لیست‌ها و شاخص‌های کمی بنا شده‌اند. نواین (۲۰۱۲) معیارهایی نظیر "تعداد اقلام افشا شده در گزارش سالانه" و "سهولت دسترسی به گزارش‌ها در وبسایت رسمی" را پیشنهاد می‌کند. این معیارها به طور مستقیم میزان تعهد سازمانی به انتشار اطلاعات را اندازه‌گیری می‌کنند. تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) بر اهمیت مقایسه‌پذیری گزارش‌های مالی تأکید دارند. معیاری که در ادبیات به عنوان "شفافیت مقایسه‌ای" مطرح می‌شود، سنجش میزان تطابق گزارش‌های مالی یک شهرداری با استانداردهای بین‌المللی یا ملی گزارشگری مالی (مانند IPSAS یا استانداردهای حسابداری ایران) است. اگر شهرداری‌ها از استانداردهای یکسانی برای تعریف درآمدها و هزینه‌ها استفاده نکنند، شهروندان قادر به مقایسه عملکرد آن‌ها با سایر شهرداری‌ها نخواهند بود و این فقدان مقایسه‌پذیری، نوعی ابهام ساختاری ایجاد می‌کند.

از منظر کیفیت انتشار اطلاعات، اکبری نعمت‌اله و موذن جمشیدی (۲۰۱۱) معیارهایی مانند "به‌روز بودن اطلاعات" و "وجود خلاصه‌های مدیریتی برای عموم" را مورد تأکید قرار داده‌اند. اطلاعاتی که چندین سال از انتشار آن‌ها گذشته باشد یا صرفاً در قالب جداول بسیار حجیم و بدون خلاصه مدیریتی ارائه شود، در عمل از کارایی لازم برای افزایش اعتماد عمومی برخوردار نخواهد بود. در نهایت، پیش‌دار (۲۰۲۵) ابعاد کیفی شفافیت را مطرح می‌سازد که شامل "شفافیت در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر برآوردها" است. این بعد اشاره به افشای دلایل پشت پرده برآوردهای مهم مانند ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول یا برآورد هزینه‌های بازسازی دارد. این برآوردها می‌توانند زمینه‌ساز دستکاری‌های حسابداری باشند؛ بنابراین، ارائه مستندات و مفروضات کلیدی این برآوردها، یکی از پیشرفته‌ترین سطوح شفافیت مالی محسوب می‌شود که مستقیماً با کاهش ادراک ریسک در میان شهروندان مرتبط است.

۴. شفافیت مالی به مثابه ابزاری برای پاسخگویی (Accountability)

پاسخگویی در مدیریت شهری به معنای الزام شهرداری به ارائه توضیحات و توجیهات لازم در قبال اعمال و تصمیمات مالی خود در برابر ذینفعان اصلی، یعنی شهروندان است. شفافیت مالی، زیربنای عینی و محوری تحقق این پاسخگویی محسوب می‌شود، زیرا بدون دسترسی به اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، امکان سنجش عملکرد و مطالبه‌گری از مسئولین وجود نخواهد داشت (عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی، ۲۰۲۴). شفافیت به طور پیشینی (Ex-ante) از طریق انتشار بودجه، امکان نظارت بر تخصیص منابع را فراهم می‌آورد و به طور پسینی (Ex-post) از طریق گزارش‌های عملکرد، امکان ارزیابی نتایج اقدامات انجام شده را میسر می‌سازد.

معطوفی (۲۰۱۷) بیان می‌کند که شفافیت، پاسخگویی را از یک فرآیند اداری صرف به یک مکانیزم سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌کند. زمانی که اطلاعات مالی به صورت عمومی منتشر می‌شود، شهروندان می‌توانند از طریق ابزارهای مدنی، از نمایندگان خود در شوراها بخواهند که در مورد انحرافات از بودجه یا ناکارآمدی‌ها توضیح دهند. این فرآیند، شهرداری را مجبور می‌کند تا نه تنها "چه اتفاقی افتاده" را گزارش دهد، بلکه "چرا آن اتفاق افتاده" و "چه اقداماتی برای اصلاح صورت خواهد گرفت" را نیز تبیین کند. هاشمی‌فیض‌آبادی و فیض‌آبادی (۲۰۲۰) بر نقش شفافیت در کاهش "آسیب‌پذیری اخلاقی" (Moral Hazard) در بدنه شهرداری تأکید دارند. اگر مدیران بدانند که گزارش‌های آن‌ها به دقت مورد بررسی قرار خواهد گرفت، انگیزه‌شان برای

انجام معاملات غیربهرینه یا استفاده شخصی از منابع عمومی کاهش می‌یابد. این اثر کنترلی، مستقیماً از طریق افزایش احتمال کشف تخلفات ناشی از افشای کامل اطلاعات، پاسخگویی را تقویت می‌کند.

سهرابی و صفری (۲۰۱۹) همچنین نشان می‌دهند که پاسخگویی مبتنی بر شفافیت مالی، بر مفهوم "پاسخگویی عملکردی" تمرکز دارد. این نوع پاسخگویی فراتر از انطباق با قوانین مالی است و بر کارایی و اثربخشی در ارائه خدمات عمومی تأکید دارد. برای مثال، اگر بودجه‌ای برای بهسازی معابر تخصیص یافته، شفافیت باید نشان دهد که آیا این پروژه به موقع و با کیفیت مطلوب تکمیل شده است یا خیر. اگر این اطلاعات به راحتی در دسترس نباشد، پاسخگویی صرفاً بر پایه اظهارات مدیران باقی می‌ماند که فاقد اعتبار لازم برای تقویت اعتماد عمومی است. با این حال، نقش حسابداران مالی در این فرآیند حیاتی است. عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی (۲۰۲۴) مطرح می‌کنند که کیفیت پاسخگویی مستقیماً به کیفیت و قابلیت اعتماد داده‌های مالی بستگی دارد. اگر استانداردهای حسابداری رعایت نشود یا کنترل‌های داخلی ضعیف باشند، هرچند اطلاعات منتشر شود، ارزش پاسخگویی آن به شدت کاهش می‌یابد زیرا شهروندان یا نهادهای نظارتی نمی‌توانند به صحت اطلاعات منتشر شده اعتماد کنند.

تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) به اهمیت شفافیت در فرآیندهای مناقصه و قراردادهای بزرگ عمرانی اشاره دارند. پاسخگویی در این حوزه مستلزم افشای کامل جزئیات فنی و مالی شرکت‌های برنده، دلایل انتخاب آن‌ها و مقایسه هزینه‌های نهایی با برآوردهای اولیه است. عدم شفافیت در مناقصات، یکی از اصلی‌ترین نقایط است که اعتماد عمومی را در نظام مالی شهرداری‌ها خدشه‌دار می‌کند و نهایتاً به بی‌اعتمادی نسبت به کل عملکرد مالی شهرداری منجر می‌شود. نوایی (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که پاسخگویی مؤثر باید دو سویه باشد؛ یعنی پاسخگویی از بالا به پایین (شهرداری به شهروندان) و همچنین فراهم آوردن کانال‌هایی برای پاسخگویی از پایین به بالا (بازخورد و شکایت شهروندان در مورد گزارش‌ها). شفافیت اطلاعاتی، زمینه را برای این بازخورد فراهم می‌کند، اما سازوکارهای دریافت و رسیدگی به این بازخوردها، جوهره واقعی پاسخگویی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در نهایت، نقش پیش‌دار (۲۰۲۵) در تبیین پاسخگویی مبتنی بر "شفافیت در ریسک‌های مالی" شایان ذکر است. شهرداری‌ها باید ریسک‌های محیطی، اجتماعی و حکمرانی (ESG) را که بر توانایی آن‌ها در تأمین مالی بلندمدت تأثیر می‌گذارد، شناسایی و به صورت شفاف گزارش دهند. پاسخگویی در این سطح، نشان‌دهنده دیدگاهی استراتژیک به مدیریت مالی شهری است که فراتر از حسابداری کوتاه‌مدت عمل کرده و اعتماد عمومی را بر اساس تعهد به آینده شهروندان بنا می‌نهد.

۵. تأثیر شفافیت مالی بر اعتماد عمومی نسبت به شهرداری‌ها

اعتماد عمومی به نهادهای محلی، به ویژه شهرداری‌ها، یک سرمایه اجتماعی ارزشمند است که بر تمایل شهروندان به همکاری، پرداخت عوارض و حمایت از برنامه‌های توسعه شهری تأثیر مستقیم دارد (قسیمی و همکاران، ۲۰۲۳). شفافیت مالی به عنوان یک کاتالیزور اصلی برای تقویت این اعتماد عمل می‌کند، زیرا بر اساس تئوری، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به کاهش عدم اطمینان و در نتیجه، افزایش اطمینان به قصد و توانایی مدیران در انجام وظایف محوله می‌شود.

محمدی و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که شهروندان هنگامی به شهرداری اعتماد می‌کنند که بتوانند مشاهده کنند منابع عمومی در مسیری عادلانه و مؤثر مصرف شده‌اند. گزارشگری شفاف در مورد هزینه‌های عملیاتی و پروژه‌های سرمایه‌ای، به شهروندان این امکان را می‌دهد که "مسیر پول" خود را دنبال کنند. این مشاهده‌پذیری مستقیم، بنیان اعتماد را محکم می‌سازد؛ در مقابل، هرگونه ابهام در مورد هزینه‌های اداری یا قراردادهای پیمانکاری، به سرعت منجر به شکل‌گیری شک و تردید در مورد صداقت مدیران می‌شود. معطوفی (۲۰۱۷) بر تفاوت میان اعتماد ناشی از "حسن نیت" و اعتماد ناشی از "اثبات عملکرد" تأکید

دارد. در غیاب شفافیت، اعتماد شهروندان بیشتر بر اساس خوش‌بینی یا روابط شخصی با مقامات شکل می‌گیرد که پایدار نیست. شفافیت مالی، اعتماد را از سطح احساسی به سطح مبتنی بر شواهد و مدارک عینی منتقل می‌کند. این امر به ویژه در مورد شهرداری‌ها که فعالیت‌هایشان مستقیماً با منافع روزمره مردم سروکار دارد (مانند حمل و نقل، خدمات شهری و زیباسازی)، اهمیت مضاعفی می‌یابد.

هاشمی‌فیض‌آبادی و فیض‌آبادی (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که شفافیت در اعلام وضعیت بدهی‌ها و تعهدات مالی آتی، تأثیر قابل توجهی بر اعتماد بلندمدت دارد. اگر شهروندان احساس کنند که نسل کنونی خدمات عمومی را با ایجاد بدهی‌های سنگین برای نسل آینده تأمین مالی کرده‌اند و این اطلاعات به درستی افشا نشده است، اعتماد آن‌ها نسبت به پایداری مالی شهرداری به شدت متزلزل خواهد شد، حتی اگر عملکرد کوتاه‌مدت قابل قبول باشد. نقش گزارش‌های مالی حسابرسی شده در تقویت اعتماد محوری است. سیف و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که گزارش‌های مالی داخلی شهرداری‌ها به خودی خود کافی نیستند و برای جلب اعتماد عمومی، باید توسط یک نهاد حسابرسی مستقل تأیید شوند. امضای یک حسابرس معتبر بر صورت‌های مالی، مهر تأییدی بر صحت و دقت اطلاعات منتشر شده می‌زند و این امر به صورت مضاعف سطح اعتماد عمومی را نسبت به گزارشگری شهرداری افزایش می‌دهد. نوایین (۲۰۱۲) همچنین به تأثیر شفافیت بر "اعتماد سازمانی" اشاره می‌کند. وقتی ساختارهای گزارشگری قوی و شفاف وجود دارد، شهروندان نه تنها به افراد خاص، بلکه به کل نهاد شهرداری اعتماد پیدا می‌کنند. این اعتماد سازمانی، مقاومت کمتری در برابر تغییرات مدیریتی ایجاد می‌کند و فرآیند حکمرانی را هموارتر می‌سازد. این اثر زمانی قوی‌تر است که شفافیت در تمامی سطوح سلسله مراتب شهرداری اعمال شود.

تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) یافته‌های جالبی در مورد تأثیر "قابل فهم بودن" اطلاعات بر اعتماد ارائه می‌دهند. اگر یک شهروند معمولی نتواند گزارش بودجه تفصیلی شهرداری را درک کند، حتی اگر آن گزارش منتشر شده باشد، ممکن است احساس کند که اطلاعات کلیدی از او پنهان شده است. بنابراین، شفافیت باید با استراتژی‌های ارتباطی که زبان پیچیده حسابداری را به زبان ساده تبدیل می‌کنند، همراه شود تا اعتماد عمومی به طور مؤثر شکل گیرد و تقویت شود. در نهایت، اکبری نعمت‌اله و مؤذن جمشیدی (۲۰۱۱) بر این نکته تأکید دارند که عدم شفافیت، حتی اگر ناشی از سهل‌انگاری مدیریتی باشد نه سوءنیت، می‌تواند به عنوان دلیلی برای بی‌اعتمادی تلقی شود. به همین دلیل، ارائه به موقع و کامل اطلاعات به یک "استاندارد عملکردی" تبدیل می‌شود که تخطی از آن به طور خودکار سطح اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و این تأثیر منفی اغلب سریع‌تر از اثر مثبت ناشی از شفافیت طولانی‌مدت ظاهر می‌شود.

۶. نقش نظام مالی شهرداری‌ها و گزارشگری حسابداری مالی شهری

نظام مالی شهرداری‌ها که شامل سیستم‌های حسابداری، کنترل‌های داخلی، بودجه‌ریزی و فرآیندهای گزارشگری است، شریان حیاتی برای تحقق شفافیت محسوب می‌شود (شیعه و علیزاده، ۲۰۲۰). کارایی و دقت این نظام، به طور مستقیم تعیین‌کننده کیفیت اطلاعاتی است که برای افزایش اعتماد عمومی منتشر می‌شود. در ادبیات حسابداری مالی، نظام گزارشگری شهرداری‌ها باید بر اساس اصول متفاوتی از بخش خصوصی بنا شود، زیرا هدف اصلی تأمین سود نیست، بلکه ارائه خدمات عمومی و مدیریت دارایی‌های عمومی است. یکی از چالش‌های اساسی در نظام مالی شهرداری‌ها، اتخاذ یک چارچوب حسابداری مناسب است. مالکی‌پور و شریف‌زادگان (۲۰۲۰) معتقدند که حرکت از حسابداری نقدی صرف به سمت حسابداری تعهدی تعدیل شده (Modified Accrual) و در حالت ایده‌آل، حسابداری تعهدی کامل، ضروری است. در حسابداری تعهدی، هزینه‌های مصرف شده

برای ارائه خدمات یا استهلاك زیرساخت‌ها به درستی شناسایی می‌شوند، که تصویری واقعی‌تر از هزینه‌های واقعی خدمات شهری به دست می‌دهد و زمینه را برای پاسخگویی دقیق‌تر فراهم می‌آورد.

شفافیت در نظام مالی همچنین مستلزم شفافیت در مدیریت دارایی‌های غیرجاری و زیرساخت‌ها است. خمر و جوادیان (۲۰۱۶) تأکید می‌کنند که بسیاری از شهرداری‌ها دارایی‌های عظیمی مانند شبکه‌های آب، فاضلاب و راه‌ها دارند که ارزش واقعی آن‌ها در ترازنامه منعکس نمی‌شود. عدم افشای ارزش جاری این دارایی‌ها و استهلاك صحیح آن‌ها، نوعی عدم شفافیت ساختاری ایجاد می‌کند که بر قابلیت استنتاج صورت‌های مالی تأثیر منفی می‌گذارد و اعتماد را کاهش می‌دهد. چالش دیگر، مدیریت جریان‌های نقدی و بودجه‌ریزی سرمایه‌ای است. نوایین (۲۰۱۲) اشاره دارد که عدم همخوانی بین زمان کسب درآمد (که ممکن است فصلی باشد) و زمان مصرف هزینه‌ها (که عمدتاً ثابت هستند) نیازمند مدیریت دقیق ذخایر و پیش‌بینی جریان نقدی است. گزارشگری شفاف در این زمینه باید نشان دهد که شهرداری چگونه کسری‌های مقطعی را پوشش می‌دهد و آیا این پوشش‌ها مبتنی بر استقراض ناپایدار است یا استفاده هوشمندانه از ذخایر.

عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی (۲۰۲۵) بر اهمیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری شهرداری‌ها تأکید دارند. نظام مالی باید به گونه‌ای طراحی شود که قابلیت استخراج گزارش‌های مدیریتی و تحلیلی مورد نیاز برای ذینفعان مختلف را به صورت خودکار فراهم کند. در غیاب یکپارچگی بین سیستم‌های درآمد، هزینه و دارایی، تولید گزارش‌های شفاف و به موقع به امری دستی و پرهزینه تبدیل می‌شود که زمینه را برای تأخیر یا حذف برخی افشاگری‌ها فراهم می‌آورد. معروفی نقدهی و امامی (۲۰۱۷) به اهمیت کنترل‌های داخلی در نظام مالی شهرداری‌ها اشاره می‌کنند. شفافیت صرفاً انتشار اطلاعات نیست؛ بلکه اطمینان از صحت اطلاعات قبل از انتشار است. یک سیستم کنترل داخلی قوی، شامل تفکیک وظایف و تأییدات چند سطحی برای تراکنش‌های مالی، زمینه را برای تولید اطلاعات قابل اعتماد فراهم می‌کند. ضعف در کنترل‌های داخلی، حتی با وجود تعهد به شفافیت، می‌تواند منجر به انتشار اشتباهات ناخواسته یا پنهان‌کاری‌های سهوی شود که اعتماد عمومی را از بین می‌برد.

قسیمی و همکاران (۲۰۲۳) بر لزوم همسویی گزارشگری مالی با گزارشگری عملکرد و اهداف استراتژیک تأکید دارند. گزارشگری حسابداری شهری نباید صرفاً گزارشی از مطابقت با قوانین بودجه باشد؛ بلکه باید نشان دهد که چگونه منابع مالی به تحقق اهداف توسعه‌ای شهر (مانند کاهش آلودگی، بهبود حمل و نقل) کمک کرده‌اند. این ارتباط بین هزینه‌ها و نتایج ملموس، محور اصلی اعتماد شهروندان به کارایی مالی شهرداری است. در نهایت، پیش‌دار (۲۰۲۵) بر اهمیت حسابرسی داخلی و خارجی در نظام مالی تأکید دارد. شفافیت واقعی زمانی به دست می‌آید که نتایج حسابرسی‌های داخلی و خارجی (که عدم انطباق‌های مالی را مشخص می‌کنند) به صورت عمومی و همراه با برنامه اصلاحی مدیریت شهرداری منتشر شود. این امر نشان می‌دهد که شهرداری نه تنها اشتباهات را پنهان نمی‌کند، بلکه برای رفع آن‌ها متعهد است.

۷. نقش شفافیت در ایجاد درآمدهای پایدار شهرداری‌ها

یکی از بزرگترین چالش‌های مدیریتی شهرداری‌ها، تأمین منابع درآمدی پایدار و قابل اتکا است تا بتوانند خدمات عمومی را به طور مستمر و بدون وابستگی شدید به اعتبارات دولتی یا درآمدهای غیرمکرر (مانند فروش دارایی‌ها) ارائه دهند (هاشمی فیض‌آبادی و فیض‌آبادی، ۲۰۲۰). شفافیت مالی نقش حیاتی در تسهیل ایجاد و حفظ این درآمدهای پایدار از طریق افزایش اعتماد و بهبود روابط با شهروندان و بخش خصوصی ایفا می‌کند.

شفافیت در ساختار عوارض و بهای خدمات، نخستین گام برای تضمین پایداری درآمد است. تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) توضیح می‌دهند که شهروندان تنها زمانی حاضر به پذیرش افزایش عوارض یا پرداخت کامل بهای خدمات می‌شوند که به طور شفاف

متوجه شوند که آن منابع دقیقاً چگونه محاسبه شده و در چه پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری خواهند شد. هنگامی که فرآیند قیمت‌گذاری خدمات شهری مبهم باشد، شهروندان آن را نوعی اخذ مالیات بدون خدمات متقابل (Quid Pro Quo) تلقی کرده و نرخ عدم تمکین افزایش می‌یابد. سهرابی و صفری (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که شفافیت در مدیریت درآمدها، به ویژه درآمدهای غیرمستعارف (مانند عوارض ساخت و ساز)، از شکل‌گیری فساد و رانت جلوگیری می‌کند. زمانی که فرآیندهای صدور مجوز و وصول عوارض به صورت الکترونیکی و کاملاً قابل ردیابی منتشر شوند، انگیزه کارمندان برای اخذ رشوه‌های پنهان کاهش یافته و درآمد واقعی شهرداری به سیستم باز می‌گردد، که این امر منجر به افزایش منابع مالی قابل استفاده برای خدمات عمومی می‌شود.

علاوه بر شفافیت در درآمدها، شفافیت در تخصیص منابع به پروژه‌های عمرانی نیز بر اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی (۲۰۲۴) بیان می‌کنند که بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی شهری (مانند حمل و نقل عمومی یا پروژه‌های مشارکتی) نیاز به اطمینان از تعهدات مالی بلندمدت شهرداری دارد. گزارشگری شفاف در مورد پروژه‌های آتی، بودجه‌های پیش‌بینی شده و ضمانت‌های بازپرداخت، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش داده و امکان جذب سرمایه‌های خارجی یا داخلی برای توسعه زیرساخت‌ها را فراهم می‌آورد. معطوفی (۲۰۱۷) بر اهمیت شفافیت در کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش کارایی اشاره می‌کند. اگر شهرداری‌ها بتوانند به طور شفاف نشان دهند که چگونه با بهینه‌سازی فرآیندها و استفاده از فناوری‌های نوین، هزینه‌های نگهداری و ارائه خدمات را کاهش داده‌اند، این امر نه تنها بر سودآوری (از منظر مدیریت منابع) می‌افزاید، بلکه شهروندان نیز متقاعد می‌شوند که صرفه‌جویی مدیران واقعی است و نه صرفاً کاهش کیفیت خدمات.

اکبری نعمت‌اله و موذن جمشیدی (۲۰۱۱) تأکید می‌کنند که شفافیت در گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بلندمدت، برای دستیابی به درآمدهای پایدار حیاتی است. شهرداری‌هایی که بدهی‌های خود را به درستی گزارش نکرده و در معرض ریسک نقدینگی قرار دارند، در آینده برای تأمین مالی مجبور به اخذ وام با نرخ‌های بهره بالا می‌شوند که این هزینه‌های مالی اضافی، منابع لازم برای خدمات جاری را کاهش می‌دهد. گزارشگری صریح در این مورد، به مدیریت ریسک کمک کرده و پایداری را تضمین می‌کند. شیعه و علیزاده (۲۰۲۰) اهمیت گزارشگری مالی بلندمدت (مانند گزارش پایداری) را مطرح می‌کنند. این گزارش‌ها که فراتر از صورت‌های مالی سنتی هستند، نشان می‌دهند که شهرداری چگونه در قبال محیط زیست، اجتماعی و حاکمیتی عمل کرده است. برای جذب سرمایه‌های مسئولیت‌پذیر و کسب حمایت عمومی برای پروژه‌های بزرگ، اثبات تعهد به پایداری بلندمدت از طریق شفافیت گزارشگری، یک ضرورت است. در نهایت، پیش‌دار (۲۰۲۵) نتیجه می‌گیرد که شفافیت در بودجه‌ریزی سرمایه‌ای و پروژه‌های بزرگ، به جلوگیری از پروژه‌های "نمایشی" یا "کم‌بازده" که منابع را هدر می‌دهند، کمک می‌کند. وقتی تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های کلان بر اساس تحلیل هزینه-فایده شفاف و مورد تأیید عمومی باشد، منابع کمتری صرف پروژه‌های غیرضروری شده و منابع بیشتری برای پروژه‌های درآمدزا یا خدماتی که مستقیماً به رفاه عمومی کمک می‌کنند، آزاد می‌شود.

۸. چالش‌های پیاده‌سازی شفافیت و موانع آن در شهرداری‌ها

با وجود تأکید گسترده بر اهمیت شفافیت مالی در ادبیات آکادمیک و سیاست‌گذاری، اجرای عملی آن در سطح شهرداری‌ها با چالش‌ها و موانع متعددی روبروست که نیازمند توجه ویژه متخصصان حسابداری مالی است. یکی از اصلی‌ترین موانع، فقدان یکپارچگی در سیستم‌های اطلاعاتی و گزارشگری بین معاونت‌های مختلف شهرداری است (خمر و جوادیان، ۲۰۱۶). اطلاعات

اغلب در سیلوهای مجزا (مالی، شهرسازی، فنی و عمرانی) نگهداری می‌شوند و تجمیع آن‌ها برای ارائه یک گزارش جامع و شفاف، نیازمند تلاش‌های مضاعف و اصلاحات ساختاری در زیرساخت فناوری اطلاعات است. چالش دوم که توسط سیف و همکاران (۲۰۱۵) به آن اشاره شده، مقاومت سازمانی و فرهنگی در برابر شفافیت است. مدیران و کارکنان ممکن است شفافیت را تهدیدی برای استقلال عملیاتی خود یا عاملی برای افشای اشتباهات گذشته بدانند. این مقاومت اغلب در قالب تعلل در ارائه به موقع اطلاعات، انتشار گزارش‌ها به صورت ناقص یا استفاده از زبان فنی بسیار پیچیده برای دور کردن شهروندان از محتوای اصلی گزارش‌ها نمود پیدا می‌کند.

از منظر فنی، عدم بلوغ در به‌کارگیری کامل استانداردهای حسابداری تعهدی یکی دیگر از موانع جدی است (مالکی‌پور و شریف‌زادگان، ۲۰۲۰). بسیاری از شهرداری‌ها همچنان به اتکا به حسابداری نقدی یا ترکیبی نامنظم عمل می‌کنند. این امر باعث می‌شود که بسیاری از تعهدات بلندمدت، ارزش واقعی دارایی‌ها و هزینه‌های استهلاک به درستی در دفاتر ثبت نشود و در نتیجه، گزارش‌های منتشر شده، تصویر دقیقی از وضعیت مالی شهرداری ارائه ندهند، که این وضعیت مستقیماً اثربخشی شفافیت را تضعیف می‌کند. چالش مرتبط با منابع انسانی، یعنی کمبود متخصصین حسابداری مالی با دانش کافی در زمینه حسابداری دولتی و شهرداری، نیز بسیار مهم است. اکبری نعمت‌اله و مؤذن جمشیدی (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که حتی با وجود تمایل مدیریتی، فقدان نیروی انسانی ماهر که بتواند گزارش‌های پیچیده را بر اساس استانداردهای مدرن تهیه و تفسیر کند، می‌تواند اجرای کامل شفافیت را با مشکل مواجه سازد. علاوه بر این، موانع قانونی و نظارتی نیز وجود دارد. اگرچه قوانین ممکن است کلیاتی را در مورد انتشار اطلاعات بیان کنند، اما فقدان آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق و الزامات شفاف‌سازی مبتنی بر شاخص‌های کمی (مانند آنچه در بخش معیارها ذکر شد)، سبب می‌شود شهرداری‌ها در تفسیر الزامات انعطاف‌پذیر عمل کرده و تنها به حداقل‌های قانونی اکتفا کنند (نوابین، ۲۰۱۲).

عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی (۲۰۲۵) به چالش "فقدان تقاضای قوی عمومی" اشاره دارند. اگر شهروندان و نهادهای نظارتی به طور مداوم و سازمان‌یافته اطلاعات شفاف را مطالبه نکنند، انگیزه شهرداری برای صرف منابع و زمان جهت بهبود فرآیندهای گزارشگری کاهش می‌یابد. در غیاب فشار خارجی مؤثر، شفافیت به یک اولویت مدیریتی سطح پایین تبدیل می‌شود. معروفی نقدهی و امامی (۲۰۱۷) نیز به موضوع "هزینه اجرای شفافیت" پرداخته‌اند. پیاده‌سازی سیستم‌های گزارشگری یکپارچه، آموزش کارکنان و انتشار اطلاعات در قالب‌های قابل فهم، نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه قابل توجهی است که ممکن است به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای شهرداری‌ها، به تعویق بیفتد یا به صورت ناقص اجرا شود. در نهایت، تفضلی و همکاران (۲۰۲۳) بر چالش "عدم تفکیک مناسب بین اطلاعات مدیریتی و اطلاعات عمومی" تأکید دارند. گاهی شهرداری‌ها اطلاعات داخلی و حساس مدیریتی را که برای تصمیم‌گیری‌های روزمره لازم است، با اطلاعاتی که باید در اختیار عموم قرار گیرد ادغام می‌کنند یا برعکس، اطلاعات حیاتی عمومی را به دلیل ترس از قضاوت، در میان انبوهی از داده‌های نامرتبط پنهان می‌سازند. مدیریت این مرز بین محرمانگی و افشاگری، خود یک چالش مدیریتی و اخلاقی پیچیده در مسیر شفافیت است.

نتایج‌گیری

این مقاله مروری با هدف تحلیل رابطه چندوجهی میان شفافیت مالی، پاسخگویی و اعتماد عمومی در نظام مدیریت مالی شهرداری‌ها تدوین گردید و نشان داد که شفافیت مالی صرفاً یک اقدام حسابداری نیست، بلکه یک استراتژی اساسی برای افزایش مشروعیت و کارایی حکمرانی شهری محسوب می‌شود. یافته‌های این مرور به وضوح تأیید می‌کنند که شفافیت به عنوان

پیش شرط اصلی پاسخگویی عمل کرده و این پاسخگویی، در نهایت منجر به تقویت اعتماد شهروندان نسبت به عملکرد مالی شهرداری‌ها می‌شود (سهرابی و صفری، ۲۰۱۹).

بر اساس تحلیل ادبیات، شفافیت مؤثر باید ابعاد ساختاری (مانند به‌کارگیری استانداردهای حسابداری تعهدی و کیفیت گزارشگری) و ابعاد ارتباطی (مانند قابلیت درک و دسترسی‌پذیری آسان اطلاعات) را در بر گیرد. شهرداری‌هایی که در افشای جزئیات بودجه، ساختار بدهی‌ها و تخصیص منابع به پروژه‌های عمرانی موفق عمل کرده‌اند، توانسته‌اند پایه‌های اعتماد عمومی را مستحکم‌تر سازند (هاشمی فیض‌آبادی و فیض‌آبادی، ۲۰۲۰). این امر به ویژه در حوزه مدیریت درآمدهای پایدار اهمیت دارد، زیرا شهروندان تنها در صورت درک نحوه کسب و مصرف درآمدها، تمایل به پرداخت عوارض و حمایت از سیاست‌های مالی آتی شهرداری نشان می‌دهند (تفضلی و همکاران، ۲۰۲۳). با این حال، ادبیات موجود چالش‌های مهمی را نیز نمایان ساخت. موانعی نظیر مقاومت سازمانی، کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات یکپارچه و نارسایی‌های فنی در اجرای کامل چارچوب‌های حسابداری مدرن، اجرای شفافیت کامل را دشوار می‌سازند (خمر و جوادیان، ۲۰۱۶). این موانع نشان می‌دهند که صرف وجود انگیزه برای شفافیت کافی نیست؛ بلکه اصلاحات سیستمی و ارتقاء مستمر دانش حسابداری مالی شهری ضروری است (مالکی‌پور و شریف‌زادگان، ۲۰۲۰).

سیاست‌محور نتیجه‌گیری می‌شود که:

۱. الزام به استانداردسازی گزارشگری: سیاست‌گذاران باید اجرای کامل و دقیق استانداردهای حسابداری تعهدی در تمامی شهرداری‌ها را الزام‌آور سازند و بر افشای شفاف هزینه‌های استهلاک و بدهی‌های بلندمدت تمرکز کنند تا اعتماد بر پایه واقعیت‌های مالی بنا شود (عبدالله‌زاده جمال‌آبادی و تقوایی، ۲۰۲۴).

۲. تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی دوسویه: علاوه بر انتشار گزارش‌ها، باید سازوکارهای رسمی و کارآمدی برای دریافت بازخورد شهروندان و پاسخگویی مستقیم مدیران در قبال سؤالات مطرح شده در مورد انحرافات مالی تعریف و اجرا شود تا پاسخگویی از حالت یک‌طرفه خارج شود (نوابین، ۲۰۱۲).

۳. سرمایه‌گذاری در ارتباطات شفاف: شهرداری‌ها باید از ابزارهای نوین ارتباطی (مانند پلتفرم‌های داده‌باز و داشبوردهای تعاملی) استفاده کنند تا اطلاعات پیچیده مالی برای شهروندان عادی قابل فهم باشد و این قابلیت درک، به طور مستقیم بر تقویت اعتماد عمومی تأثیر بگذارد (محمدی و همکاران، ۲۰۲۲).

۴. حسابرسی مستقل و افشای عمومی نتایج: تقویت نقش نهادهای حسابرسی مستقل و الزام به انتشار عمومی گزارش‌های حسابرسی همراه با برنامه اصلاحی مدیریت، اعتبار اطلاعات منتشر شده را افزایش داده و به عنوان یک عامل تقویت‌کننده حیاتی اعتماد عمل خواهد کرد (سیف و همکاران، ۲۰۱۵).

در نهایت، ارتقاء شفافیت مالی نه تنها پاسخگویی را تضمین می‌کند، بلکه به عنوان یک سرمایه اجتماعی، کارایی مالی شهرداری‌ها را از طریق افزایش تمکین عمومی، کاهش هزینه‌های نظارتی و جذب سرمایه‌گذاری پایدار بهبود می‌بخشد و مسیر دستیابی به توسعه شهری مؤثر را هموار می‌سازد (قسیمی و همکاران، ۲۰۲۳).

منابع

- هاشمی فیض آبادی، سیدمهدی، فیض آبادی، اکرم. (۲۰۲۰). مشکلات و پیشنهادات برای درآمد پایدار شهری با نگاه اقتصاد مقاومتی. مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری، ۱۲(۳)، ۳۱-۴۴.
- پیش دار. (۲۰۲۵). مدیریت بهره‌وری املاک و دارایی های شهری، کلید افزایش درآمد پایدار شهرداری. پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، ۹۷(۱۱)، ۱۷۵-۱۸۰.
- عبدالله زاده جمال آبادی، امیرحسین، تقوایی. (۲۰۲۴). تبیین و محاسبه سهم انواع عوارض کسب و کار در ساخت مسکن؛ مورد پژوهشی: پروانه های شهرسازی شهرداری تهران در سال ۱۴۰۲. اقتصاد و برنامه ریزی شهری، ۲۰(۵)، ۶۴-۸۰.
- محمدی، اشرف، غلامی، حاجیان. (۲۰۲۲). بررسی راهکارهای تامین مالی پروژه در شهرداری شازند. مدیریت، حسابداری و اقتصاد، ۲۳(۶)، ۴۱-۴۸.
- سیف، اله مراد، نادری خورشیدی، صادقی مال امیری، منصور، رئیسی، محبت. (۲۰۱۵). طراحی و تبیین نظام مدیریت مالیات محلی با رویکرد اسلامی (شهرداری تهران). مدیریت اسلامی، ۲۲(۲)، ۱۵۱-۱۸۳.
- نواین، خدیجه. (۲۰۱۲). طراحی نظام مالیات بر درآمد املاک به کمک شهرداری ها. اقتصاد شهر، ۱۶(۴)، ۹۰-۹۷.
- اکبری نعمت اله، موزن جمشیدی سیده هما. (۲۰۱۱). تحلیل تاثیر هدفمند کردن یارانه ها بر درآمد و هزینه کلان شهرها (تشخیص فرآیندها و تاثیرات بعد از اجرای هدفمند کردن یارانه ها؛ مطالعه موردی کلان شهر اصفهان).
- قسیمی، صلاح الدین، صیدی، سیروان، تکیه خواه، جاهده. (۲۰۲۳). ایجاد درآمدهای جدید و پایدار برای شهرداری ها (مطالعه موردی: شهرداری سنندج). فصلنامه مدیریت راهبردی در سیستم های صنعتی (مدیریت صنعتی سابق)، ۱۸(۶۴)، ۲۳-۳۵.
- شیعه، اسماعیل، علیزاده. (۲۰۲۰). راهکارهای تامین منابع درآمدی پایدار برای شهرداری های کشور. کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای در مدیریت و مهندسی، ۲(۲)، ۳۰۹۲-۳۱۰۹.
- مالکی پور، شریف زادگان. (۲۰۲۰). سنجش هزینه مبادله نهاد برنامه ریزی شهری، مورد پژوهشی طرح تفصیلی شهر اصفهان. اقتصاد شهری، ۵(۱)، ۶۵-۸۰.
- خمر، غلامعلی، جوادیان. (۲۰۱۶). پیش بینی میزان درآمد حاصل از دریافت عوارض شهری شهرداری ها با استفاده از مدل شبکه عصبی (مطالعه موردی: شهر زابل). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۳)، ۲۱-۳۴.
- معروفی نقدهی، فخرالدین، امامی. (۲۰۱۷). ارائه مدل برنامه ریزی استراتژیک شهرداریها (مورد مطالعه شهرداری ملایر سال ۱۴۰۰-۱۳۹۶). آمایش محیط، ۱۰(۳۸)، ۱۱۹-۱۴۴.
- سهرابی، صفری، آرزو. (۲۰۱۹). شناسایی و رتبه بندی مهم ترین روش های تامین درآمدی پایدار شهرداری با استفاده از فنون MCDM (مطالعه موردی: شهرداری همدان). اقتصاد شهری، ۴(۲)، ۹۱-۱۱۰.
- معطوفی، علی رضا. (۲۰۱۷). شناسایی و اولویت بندی روش های درآمد پایدار در شهرداری گرگان با استفاده از روش AHP. مدیریت شهری نوین، ۵(۱۸)، ۱۱۷-۱۴۲.
- تفضلی علیرضا، دالمن پور محمد، امامی میبیدی علی، رحیم زاده اشکان. (۲۰۲۳). ارزیابی روش های تامین مالی در شهرداری ها و معرفی روش مناسب.